**٧٥ - حجاب زنان و ختان**

و نیز از حضرت عبدالبهاء در خطابی است قوله العزیز : در این دور حجاب محکمتر از سابق میباشد در دوره اسلام حجاب چنان شده بود که زنها نمیتوانستند در کوچه و بازار راه بروند مثل غلام و کنیز زر خرید بودند لذا محض آنکه بتوانند به کسب مشغول شوند و علم بیاموزند در هر دوری دست و صورت جائز بوده ولی درین ایام اقتضای این قسم امور ندارد وشاید یک وقتی محفل روحانی اذن آن هم مثل چارقد زنهای ایرانی که در سر میکنند که چهار طرف صورت گرفته باشد که موی آنرانباید مرد غیر ببیند نه مثل زنهای فرنگی که سر باز بیرون میروند که سر و گردن و نصف دست باز باشد حجاب درین دور چنین است که کسی در خانۀ که یک زن باشد بدون صاحبخانه نمیتواند در آن خانه برود مگر یک نفر از قومان زن در آنجا حاضر باشد مثل پسر یا دختر و یا برادر و مقصود آن است اگر یک زن در خانه باشد نباید مرد غیر وارد شود .

و در خطابی دیگر است قوله الحکیم : در خصوص ختان و حجاب سؤال نموده بودید حال وقت جواب نه .

و در جواب به سئوال در خصوص حجاب نسوان قوله الجلیل : حجاب نسوان مانع از تعلیم و تعلم است فقهاء درینخصوص مبالغه نمودند که حتی صوت نساء شنیدن را جائز ندانستند و حال آنکه مسلّم است که عایشه که حرم حضرت بود می‌نشست ازو سؤالات مینمودند و جواب میداد و در طواف کعبه فریاد لا قناع و لا لثام برآورد و سکینه دختر حضرت امام حسین می‌نشست شعراء در محضرش اشعار میخواندند و او را حکَم قرار میدادند پس جائز بود البته اگر در میان صد هزار حجاج رو باز باشد در سایر مواقع به طریق اولی باید باشددیگر دست و رو داخل در حجاب نیست بلکه مو و سایر اعضاء باید پنهان باشد عصر اول چنین بود لکن بعد برین افزودند بدرجۀ که نساء را حبس کردند و از تعلیم و تعلّم منع نمودند و بنهایت ذلّت رساندند آن بود که نساء شرق از ترقّی باز ماندند اما عصمت لازم و ضبط و ربط بسیار واجب لکن بدرجۀ که مانع از تعلیم و تعلّم نشود زیرا شریعة الله مؤسس فضائل است نباید آنها را از تحصیل فضائل منع نمود البته زن عالمه بهتر از زن جاهله است ولی با محافظه عصمت و عفت .